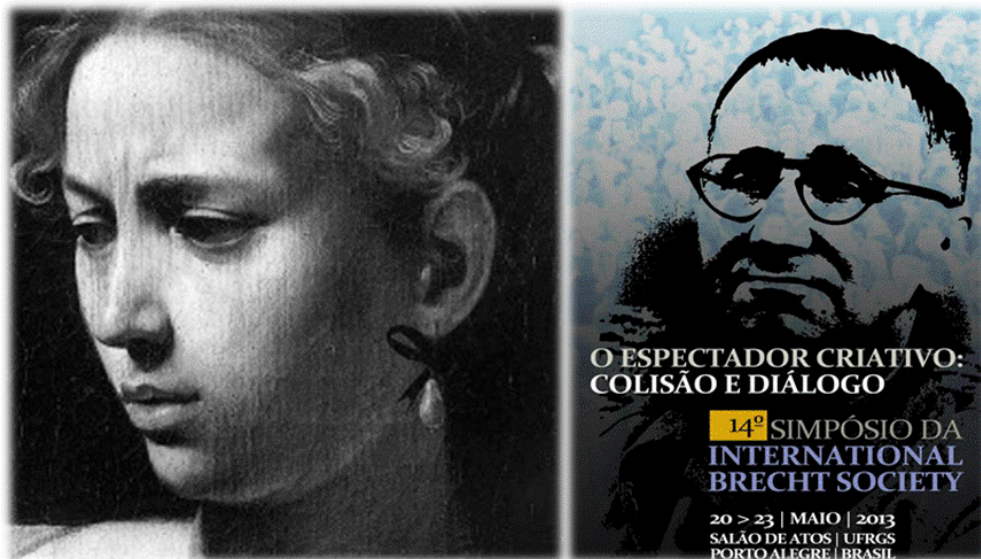


# The Epic Players of Chicago presents



## جودیت

فیلمی بر اساس نمایشنامه «همسر یهودی»

نوشته: برتولت برشت

اقتباس و کارگردانی: فرخ اسدی

انتخاب رسمی سمپوزیوم بین المللی برتولت برشت، برزیل، می ۲۰۱۳

## یادداشت کارگردان

**“توضیح جهان مهم نیست، تغییر جهان مهم است!” برتولت برشت**

**مقدمه:** برتولت برشت (1898-1956) یکی از ایده پردازان برجسته تئاتر و بنیانگذاران پیشرو تئاتر علمی-روایتی (اپیک) است. بکارگیری روشهای علمی در تجزیه و تحلیل حوادث و بحرانهای اجتماعی یکی از بارزترین مشخصه های آثار برشت و تئاتر علمی-روایتی اوست. خواست برشت تبدیل صحنه تئاتر به یک آزمایشگاه علمی-اجتماعی بود که در جریان اجرای یک تجربه نمایشی بتوان دیدگاه های اکتشافی و انتقادی تماشاگر را فعال و بارور کرد. برای رسیدن به این مقصود، تماشاگر پیشاپیش در جریان حوادث داستان و اینکه **“چه”** اتفاقی خواهد افتاد قرار میگیرد. برای مثال به تماشاگر از قبل گفته میشود که جودیت، شخصیت اصلی داستان ما، مصمم است که خانواده، دوستان و وطنش را برای همیشه ترک کند. باین ترتیب تماشاگر بجای اینکه بیشتر کنجکاو این باشد که **“چه”** اتفاقی خواهد افتاد علاقمند است که بداند **“چرا”** این اتفاق میافتد و بنابراین با تجزیه و تحلیل عمیق تری داستان و اجرا را دنبال خواهد کرد. در تئاتر علمی-روایتی برشت هدف توضیح یک بحران نیست بلکه هدف این است که تماشاگر با آگاهی کامل از **“چه”** و پاسخ های منطقی برای **“چرا”**ها به راه حل های مناسب برای پیشگیری و درمان آن بحرانها دست پیدا کند. یکی از راه های رسیدن به این هدف استفاده از روشهای **“فاصله گذاری”** است. با استفاده درست از این روشها، تماشاگر نه تنها اسیر واکنشهای احساسی نمیشود بلکه با تفکر و اندیشه یی آزاد به تجزیه و تحلیل مسائل مطرح شده مینشیند. به اعتقاد برشت، تئاتر امروز نباید بصورت کارگاهی عمل کند که رویاهای دست نیافتنی را پرورش میدهند و بازار مکاره یی که برای خرید و فروش دروغ بنا شده است. در دنیایی که بیدادگری با گامی استوار پیش میرود و ستمگران خود را برای قرنهای ستم آماده میکنند تئاتر نباید تحمل زور، اطاعت و فرمانبرداری را به انسانها بیاموزد و توده ستمدیده را به موجوداتی ساده لوح، زودباور و رویایی بدل کند. برشت همواره خواهان شناخت و عریان کردن واقعیتها بود. او سخن گفتن در اوصاف زیباییهای طبیعت را در دوران

تیره ما جنایت میدانست. آیا با همه فجایع، اشغالگریها، جنگها و غارتها هنوز باید از لطافت هوا و یا زیبایی گلها سخن گفت؟ جهان امروز باید بصورت تغییر پذیر و دگرگون شونده بازگو شود. در عصر علم، نباید انسان را بصورت یک قربانی که اسیر محیطی ناشناخته و تغییر نا پذیر است توصیف کرد. **"همه هنرها در خدمت بزرگترین هنرها یعنی هنر زیستن هستند!" برتولت برشت**

### کاربرد تاتر علمی- روایتی برشت در تهیه فیلم "جودیت":

"همسر یهودی" یکی از 25 نمایش در مجموعه "ترس و نکبت رایش سوم" است که برتولت برشت آنها را حدود سالهای 1934-1935 نوشته است. فیلم "جودیت" اقتباسی است تجربی و روایت گونه (اپیک فرم) از این نمایش.

در نوشتن فیلمنامه "جودیت" مفهومی اصلی نمایش نظیر گسترش ترس و خفقان در جامعه، انزوای انسان ها، رفتارهایی که متکی به دروغ و فریب هستند، قابلیت اعتراض انسان به ساختار نا عادلانه اجتماعی و ترک اجباری وطن همچنان حفظ شده اند.

جودیت شخصیت اصلی در نمایش "همسر یهودی" همچنین شخصیت اصلی در فیلم "جودیت" است.

عنوان "همسر یهودی" به "جودیت" تغییر داده شد تا موضوع کلیدی داستان مفهوم جهانی تری پیدا کند. بر عکس "همسر یهودی"، روند داستان در فیلم "جودیت" محدودیت زمانی و مکانی ندارد.

در نمایش "همسر یهودی" تنها دو شخصیت جودیت و شوهرش حضور فیزیکی دارند. در فیلم "جودیت" شخصیتهایی که در نمایش فقط از آنها نام برده شده خلق و حضور فیزیکی پیدا میکنند.

برخلاف نمایش "همسر یهودی" که غیر اپیزودیک (مداوم) است فیلم "جودیت" به فصلهایی تقسیم شده که بخودی خود پیامی مستقل داشته و در عین حال وابسته به فصل قبلی و فصلهای بعدی فیلم هستند.

هر فصل با شرح کوتاهی شروع میشود که بیانگر این است که **"چه"** اتفاقی قرار است در آن فصل بیفتد.

فصلهای فیلم، از جمله گذشته و حال واقعه، از طریق روشهای "فاصله گذاری" نظیر بازی در نقشهای متفاوت و استفاده از موزیک، اسلاید، کارتون و کلیپ های ویدیویی بهم ارتباط پیدا میکنند.

شخصیتهای فیلم تغییر کننده و تغییر دهنده بازسازی شده و در موقعیتهای مختلف تماشاگر را مورد خطاب مستقیم قرار میدهند. از بازیگران خواسته شده که بجای حل شدن در شخصیتی که نمایش میدهند آن شخصیت را تقلید کرده و به تماشاگر معرفی کنند.

**خلاصه نمایش "همسر یهودی":** جودیت همسر خانه دار و مهربان یک جراح معروف و متمول آریایی-آلمانی است

که حالا پس از بقدرت رسیدن نازیها تنها با مارک یهودی برای شوهر و اطرافیانش شناخته میشود. در شروع نمایش میبینیم که جودیت بی قرار، عصبانی و مضطرب مشغول جمع آوری و بسته بندی وسایلش است. پس از فراغت از بستن چمدان، جودیت از طریق مکالمه تلفنی با دوستان و از جمله خواهر شوهرش به آنها اطلاع میدهد که برای چند هفته بی عازم مسافرتی کوتاه به خارج از کشور است. در جریان این مکالمات میفهمیم که جودیت تنها به *Ta* (دوست نزدیکترش) و آنهم تا حدودی حقیقت رفتنش را بر ملا میکند. پس از آن، و در حالی که منتظر آمدن شوهرش است حرفهایش را که قرار است به او بزند در مقابل یک صندلی خالی تمرین میکند. در طول این تمرین و همینطور مکالمات تلفنی اش متوجه میشویم که ترس و نکبت حاصل از فاشیسم در خارج از منزلش تنها خطری نیست که جودیت را تهدید میکند بلکه بحرانهایی بهمان شدت در داخل زندگیش جریان دارد. زمانی که شوهرش میرسد همان صحبتهایی را میکند که جودیت با نگرانی انتظارش را دارد و با اینکه جودیت در رفتنش کاملاً مصمم است، اما هنوز امید دارد که شوهرش مانع رفتنش بشود، اما او این کار را نمیکند. با اینکه بهار است و در پایان نمایش شوهر با دادن پالتوی زمستانی به جودیت به ما نشان میدهد که او میدانند مسافرت جودیت همیشگی و بدون برگشت است. **فرخ اسدی**